



ایران در دوران معاصر

پس یعقوب گفت: چیزی که من درنیابم (عربی) چرا باید گفت؟

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۵ دی ۱۳۹۴ ۲۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

در این بخش ماجرای سرودن نخستین شعر فارسی دری از قول کتاب تاریخ سیستان - به تالیف محمد تقی بهار آمده است: «... پس شعرا او [یعقوب لیث صفاری] را شعر گفتندی به تازی: قد اکرم الله اهل المصر و البلد بملک یعقوب ذوالأفضال و العدد ... چون این شعر برخواندند او عالم نبود، درنیافت. محمد بن وصیف حاضر بود و دبیر رسایل او بود و ادب نیکو دانست و بدان روزگار نامه پارسی نبود. پس یعقوب گفت: چیزی که من درنیابم چرا باید گفت؟ محمد وصیف پس شعر پارسی گفتن گرفت و پیش از کسی نگفته بود که تا پارسیان بودند سخن ایشان

پارسیان دژ / ایران در دوران معاصر

در این بخش ماجرای سرودن نخستین شعر فارسی دری از قول کتاب تاریخ سیستان - به تالیف محمد تقی بهار آمده است:

«... پس شعرا او [یعقوب لیث صفاری] را شعر گفتندی به تازی:

قد اکرم الله اهل المصر و البلد بملک یعقوب ذوالأفضال و العُد

... چون این شعر برخواندند او عالم نبود، درنیافت. محمد بن وصیف حاضر بود و دبیر رسایل او بود و ادب نیکو دانست و بدان روزگار نامه پارسی نبود. پس یعقوب گفت: چیزی که من درنیابم چرا باید گفت؟ محمد وصیف پس شعر پارسی گفتن گرفت و پیش از او کسی نگفته بود که تا پارسیان بودند سخن ایشان به رود بازگفتندی، بر طریق خسروانی، و چون عجم برکنده شدند و عرب آمدند، شعر میان ایشان به تازی بود و همگنان را علم و معرفت شعر تازی بود و اندر عجم کسی برنیامد که او را بزرگی آن بود پیش از یعقوب که اندرو شعر گفتندی، مگر حمزه بن عبدالله الشاری و او عالم بود و تازی دانست. شعرای او تازی گفتند و سپاه او بیشتر همه از عرب بودند و تازیان بودند، چون یعقوب زنبیل و عمار خارجی را بکشت و هری بگرفت و سیستان و کرمان و فارس او را دادند، محمد بن وصیف این شعر بگفت:

ای امیری که امیران جهان، خاصه و عام بنده و چاکر و مولای و سگبند و غلام

«...»



ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «پس یعقوب گفت: چیزی که من درنیابم (عربی) چرا باید گفت؟»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1745/pdf/پس-یعقوب-گفت-چیزی-که-من-درنیابم-عربی-چر.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵